

«همقدم با خاکی‌های سپید»

همزمان با هفته دفاع مقدس

معاونت اجتماعی شهرداری منطقه ۲ تهران به کمک جمعی از بسیجیان گروه جهادی چشمه کوثر و با همکاری یگان امام‌هادی(ع) نمایشگاهی با عنوان «همقدم با خاکی‌های سپید» برگزار می‌کند.
به گفته بیسادی، مدیر فرهنگی شهرداری منطقه ۲ تهران، همقدم با خاکی‌های سپید اولین پرفورمنس یا همان تئاتر محیطی دفاع‌مقدس است.
شروع راه‌اندازی این نمایشگاه از ابتدای شهریورماه امسال بوده و تاکنون بیش از ۹۰ درصد این پروژه آماده شده است. بیسادی با تأکید بر اینکه این حرکت بزرگ ارزشی برای اولین‌بار در منطقه سعادت‌آباد صورت می‌گیرد، افزود: فضای فکری ایجادشده در داستان نمایش بندت اثر گنادر و برای طیف مخاطب جذاب خواهد بود.
به گفته محمدمهدی فخیم‌چو، مدیر اجرایی نمایشگاه، در این اجرا ۱۵۰ نفر گروه اجرایی شامل بازیگران، کارگردان، طراحان صحنه و نور و صدا، چهره‌پردازان، دستیاران صحنه و دیگر عناصر اجرایی مشارکت دارند. این نمایشگاه در وسعت ۲/۵ هکتار و دارای بخش‌های غرفه‌های فرهنگی، ۷ سالن اجرا و ۶ یادمان دفاع‌مقدس است. آغاز فعالیت نمایشگاه همزمان با هفته دفاع‌مقدس از یکم تا دهم مهرماه و هر شب از ساعت ۱۹ در ۶ نوبت، پذیرای بازدیدکنندگان گرمی است. محل برگزاری این نمایشگاه واقع در سعادت‌آباد، بعد از میدان کتاب، بلوار کوهستان است.
علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت نمایشگاه به آدرس www.khakisepidir یا به صفحه اینستاگرام Instagram.com/khakisepidir مراجعه کنند.
■ ■ ■

پیام شهردار تهران به چهارمین جشنواره تئاتر شهر

چهارمین جشنواره تئاتر شهر با محوریت موضوعاتی چون زندگی شهری و شهروندی و تعالی سبک زندگی و تقویت هویت اسلامی و ایرانی در حال برگزاری است و محمد باقر قالیباف، شهردار تهران بدین منظور پیامی برای آن صادر کرد.
به گزارش فارس، در بخشی از پیام قالیباف آمده است: «امروزه در اکثر کشورهای جهان از ظرفیت، امکانات و جذابیت بند ویژه هنر نمایش که به‌شکلی زنده و رو‌دررو با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند، به‌خاطر ویژگی‌های خاص آن در مسیر حل مسائل و مشکلات روز استفاده می‌شود. در کشور ما نیز به‌خاطر شرایط خاص اقلیمی، توسعه شهرات، زندگی ماشینی و مساله کمبود انرژی، مشکلات زیادی بروز کرده است که برای حل آنها به یاری و مدد هنرمندان نیاز است تا بتوان از ظرفیت بی‌پایان هنر برای توسعه و پیشرفت جامعه استفاده کرد. خدوند هنر آفرین را شکرگزارم که در فصلی دیگر تلاش و کوشش جوانان هنرمند این مرز و بوم به ثمر نشست و اکنون شاهد برگزاری «چهارمین جشنواره تئاتر شهر» هستیم. هنر والا و ارزشمند تئاتر، در شرایطی که جامعه ما بیش از هر زمان به معنویت، اخلاق و حقوق انسانی و شهروندی نیاز دارد، می‌تواند در ساختن یک آرمان‌شهر ایرانی و اسلامی راهگشا باشد.
بویژه زمانی که این هنر اصیل با انرژی، تلاش، خلوص نیت و خلاقیت جوانان هنرمند هم‌راه باشد. مقام معظم رهبری که در حوزه فرهنگ و هنر با تالعات همیشگی چراغ راه این عرصه هستند با تأکید بر نقش جوانان در عرصه فرهنگ و هنر، گسترش کار فرهنگی در بین جوانان مومن و انقلابی را در جهت پیشرفت و ایستادگی در مقابل دشمنان ملت و پیشرفت کشور یک امر مهم و جدی دانسته و اهمیت به این موضوع را برای کارگزاران فرهنگی و هنری یک تکلیف می‌داند. خرسند و شاکریم که این تکلیف در «چهارمین جشنواره تئاتر شهر» با حضور جوانان هنرمند به بار می‌نشیند.»
■ ■ ■

پرده آخر «مجله تئاتر»

برنامه تلویزیونی «مجله تئاتر» که تنها برنامه مستقل تئاتری برای معرفی و نقد آثار نمایشی بود، به یکباره تعطیل شد. این برنامه از زنده که شنبه‌شب‌ها از شبکه تخصصی ۴ سیما که مختص فرهنگ و هنر است، پخش می‌شد ۲ هفته‌ای است روی آنتن نمی‌رود.
در این‌باره نیما دحقان، تهیه‌کننده و کارگردان «مجله تئاتر» درباره وضعیت رخ داده گفت: «مجله تئاتر» تنها برنامه‌ای بود که صنعت تیرسزای در تئاتر کشور را به وجود آورد و به تئاتر شهرستان‌ها پرداخت و تنها برنامه‌ای بود که نقد حرفه‌ای و علمی در حوزه تئاتر انجام داد و برنامه‌ای بود که نخیمان تئاتر در آن حضور داشتند. دحقان افزود: من اصلا مشکلی ندارم برنامه «مجله تئاتر» به تهیه‌کنندگی من نباشد بلکه فقط در خواستم این است.
برنامه‌ای که ۶ سال روی آن برنامه‌ریزی مالی شده و حالا به نقطه‌ای رسیده است که در میان اهالی تئاتر جایگاه معتبری پیدا کرده است، تعطیلیش نکنند بلکه به فکر ارتقای آن باشند.

مرتضی اسماعیل دوست: این روزها در همجواری هفته دفاع مقدس، نمایشی در سالن چهارسوی تئاتر شهر به صحنه می‌رود که برگرفته از وجوه شخصیتی برجسته چون شهید مصطفی چمران است. برای رسیدن به لایه‌های مختلف نمایش «تکه‌های سنگین سرب» با ایوب آقاخانسی، نویسنده و کارگردان مطرح عرصه تئاتر همکلام شدیم؛ گفت‌وگویی که همچون روایت متمایز کارگردان به نحوی متفاوت از گپ‌های همیشگی در آمد.

■ **جناب آقاخانسی، چه دغدغه‌ای شما را ترغیب به نگارش متن نمایشنامه و اجرای نمایش «تکه‌های سنگین سرب» کرد؟**

این دغدغه از گذشته در میان آثاری جنگی چون «آسمان و زمین»، «فصل خون»، «امپراتور و آنجلو» و نمایشنامه رادیویی «سه‌گانه صلح» وجود داشته و در نمایشی با موضوع شهید چمران بهتر دیده شده است. از طرفی دوران طلایی کودکی‌های من در ایام جنگ شکل گرفت و فصل‌های زندگی نوجوانانه خود را از میان پنجره چسب خورده خانمان تماشا کردم. پس برای من که حتی جوانه زدن شکوفه‌ها را از لایه‌لای آن چسب‌های محافظ مبهاران دیدم، مساله جنگ غریبه نیست، واقعیت این است که ما در دوران عجیبی بزرگ شدیم؛ و همه تلخی‌های خسارات انسانی جنگ و خوشی‌های پیروزی مردان جبهه در کنار هم بخشی جدایی‌ناپذیر را برای ما رقم زد. شاید جنس سیاست‌گذاری‌های مسؤولان فرهنگی و خط‌کنشی‌های مرسوم باعث شد من نتوانم آنچنان که باید در این عرصه باشم و امروز حضورم برای برخی عجیب باشد؛ در صورتی که من می‌گویم جنگ برای من ایرانی و متعلق به همه نسل‌هاست. من برای نوشتن درباره مردان سرزمین دنبال اجازه گرفتن از کسی نیستم. این قلم مال من است و وقتی توانایی نوشتن دارم بر خودم لازم می‌بینم که به سمت نگارش آثاری ارزشمند بروم. وقتی خاطرات افراد تحت تعلیم دکتر چمران در لیسان را خواندم، دیدم مطمئن شدم که باید «تکه‌های سنگین سرب» را بنویسم. ان‌شاءالله بزودی هم با نمایش «روند خون» درباره شهدای غواصی که در حال نگارش آن هستم، بخشی دیگر از تعهد خود را به انجام خواهم رساند که در واقع تریولژی من از مستندات جنگ خواهد بود.

■ **در گذشته آثاری مکتوب و تصویری از زندگی شهید چمران تولید شد، از جمله کتاب «گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند»، فیلمنامه «مرد رویاها» و فیلم «ج»؛ شما چقدر به سمت تحقیق در لایه‌های مختلف زندگی و مبارزات آن بزرگمرد تاریخ‌رتقید؟**
حدود یک سال و نیم را صرف پژوهش‌های اساطیرخانه‌ای و میدانی درباره ابعاد زندگی شهید چمران کردم و ذهنم موتور جست‌وجویی برای خود راه انداخته بود که در عین جمع‌آوری مستندات از آن شهید به دنبال یافتن زاویه‌ای برای روایت‌پردازی باشم. در واقع به دنبال یافتن این بودم که کجای این فراخانی پژوهشی به زاویه نگاه متفاوتی خواهم رسید. می‌خواستم آثری از شهید چمران به اجرا بگذارم که جایی برای امضای من داشته باشد، چرا که تفاوت در پرداخت موجب امضای من خواهد شد. همه رسالت‌های مقدس برای پرداخت زندگی شهید چمران در من زنده بود اما برای رسیدن به امضای خود قدر و قیمتی قائل هستم که به‌راحتی از کنارش نخواهم گذشت، چرا که اگر نتوانم به فضایی منحصر به خود برسم، طرف‌داری که آثارم را دنبال می‌کنند ناامید خواهند شد. تماشاگران در این نمایش دست‌آورد جدیدی را از من تجربه خواهند کرد که ادامه نگاه گذشته‌ام خواهد بود. من با افتخار نمایشنامه‌ای درباره یکی از مردان بزرگ جنگ نوشتم که تنها ۲ شخصیت دارد. من مفتخر به این هستم که نمایشنامه‌ای نوشتم که درنگ روی ابعاد روانشناسی شخصیت بوده و در ذهن مخاطب باعث چالش مفاهیمی چون وظیفه، عشق و اخلاق خواهد شد.

■ **شهید چمران از جمله قهرمانان ملی است که سوبه‌های مختلف زندگی‌اش، شرایط و بستر مناسبی برای خلق دراماتیکیک اثر هنری دارد و شما بیشتر متمرکز به درون‌نیات کمتر پرداخته شده این شخصیت شدید. با چه نگره‌ای داده‌های تاریخی را به خروجی دراماتیزه‌ای برای اجرا تبدیل کردید؟**

پاسخ به این سوال برعهده شمای منتقد است که من چقدر موفق بودم. من همه توان خود را برای این کار گذاشتم و بیش از این بلد نبودم. به نظرم رسیدن به پرداختی دراماتیزه در هر اثر، طی کردن نیمی از راه است و البته برخی حوادث تاریخی قابلیت نمایشی نمی‌یابند یا در مدیوم

گفت‌وگوی «وطن امروز» با ایوب آقاخانسی، نویسنده و کارگردان نمایش «تکه‌های سنگین سرب»

با تمام قلبم برای شهید چمران نوشتم



تنبیده شده‌است.

سینما به شکلی مناسب‌تر قابل طرح خواهند بود. تئاتر، جولانگاه فکر و مکت است و باید جایی برای آیشخور اندیشه باشد. برای همین فکر کردم چمران را در بزنگاهی عاشقانه تصور کنم و این مسیر دراماتیکی برای عرصه نمایش خواهد بود و خوشبختانه بازخوردهای خوبی هم در این مدت دیدم. باید بزنگاه شخصیت در مناسب‌ترین و بهترین شکل به تن تئاتر دوخته شود و «تکه‌های سنگین سرب» حاصل وسواسی اینگونه است که چرا، به چه دلیل و توسط چه کسی روایت در حال اجراست. صادقانه بگویم بخشی از وجودم در این نمایش و آثار دیگری که نگاشته‌ام جا مانده است، یعنی شهید چمران برایم به‌عنوان طرحی آزمایشگاهی برای ارائه محسوب نشده بلکه همواره مصطفی چمرانی را به صحنه دیدم؛ که سهمی از روح خودم در آن مدیده شده است و این گوشه‌ای از خلصت خدای‌گونه نوشتن است. به همین دلیل چمران روی صحنه حتما دغدغه‌های مرا هم با خود خواهد داشت.

■ **در آثار تصویری و مکتوبی که پیش از این درباره شهید چمران ارائه شد، رنگ اسطوره‌سازی بسیار برجسته بود و شما به وجهه هنرمندانه و رفتار عاشقانه آن شهید متمرکز شدید. اگر چه نگاه‌تان نزدیکی بسیاری با خاطرات غاده جابر، همسر شهید چمران دارد؛ واهمه‌ای از جانب برخی افراد برای عدم انعکاس وجهه مبارزاتی آن شهید نشانید؟**

شهید چمران، شخصیتی ملی در تاریخ ما است و دینی بر من و امثال من برای نمایاندن ابعاد

زندگی شخصیت‌هایی همچون چمران وجود دارد. وجهه اسطوره‌ای شهید چمران نکته پنهان مانده‌ای نیست که من هم روی آن متمرکز شوم. آنچه از نظر من مهم بوده و به نظرم نادیده گرفته شده، وجه انسانی آن شهید است که به خوبی تحلیل کرده‌اید. غاده جابر تا زمانی که به چمران نزدیک شده و با او دواج نکرده است، در بیرون از سکو به سر می‌برد سپس وارد حریم وی شده و در مرکز صحنه می‌نشیند. این مساله در طراحی صحنه، نور و میزانشن به شکلی آگاهانه و با همکاری همکاران طراحی صورت گرفت.

■ **نمایش «تکه‌های سنگین سرب» براساس اسطوره‌های درام‌نویسی و پسر واقعیت هم پابیند باشی. در واقع این سلیقه من است اما خروجی این سلیقه منجر به نمایش ابعاد روانشناختی شخصیت هم خواهد شد. ترکیبی از هر دو فرمایش شما در کار من حاصل شده است، اگر چه بیشتر این نکته برایم مهم بود که سلیقه و برگمی از کارنامه تئاتری‌ام در این اثر وجود داشته باشد البته ذات خسارت روحی در زندگی شخصی شهید چمران مبتنی بر حقیقت است. اگر چه شاید شکل تعبیر متفاوتی در نمایش من یافته باشد.**

■ **ضمن اینکه تقابل تعهد در برابر عشق، مساله‌ای قابل طرح در جهان پردازش است.**

من خیلی ممنونم از این تعبیر و نگاه ارزنده‌ای که دارید. همیشه به دانشجویان خود می‌گویم چرا امروز و چرا این مضمون و چرا من؟ یک هنرمند برای فعالیت باید به پاسخی روشن برای همه این پرسش‌ها دست یابد و من در «تکه‌های سنگین سرب» به همه پاسخ‌ها رسیدم. من باید به چالش هستی‌شناسانه نسل‌های امروزین بپردازم که وظیفه چیست و چه مرز باریکی با عشق می‌تواند داشته باشد و رسیدن به هر یک چه قیمتی خواهد داشت.

■ **«تکه‌های سنگین سرب» وسوسه یافتن نور از سوی زنی به نام غاده جابر توسط شععی چون شهید چمران را حکایت می‌کند. کشف رسیدن چقدر در این نمایش برایتان برجسته بود؟**

خیلی خوشحالم که نگاه‌تان آنقدر خوب است. برای من، مساله کشف و رسیدن بسیار مهم بوده است. مهم‌ترین مساله در تئاتر، آگاهی از نوشتن است و مقوله سفر شخصیت در موقعیت‌های مختلف، مساله‌ای علمی در فضای نمایشنامه‌نویسی است؛ سفر قهرمان به این معنا که پارادایم حرکت شخصیت از نقطه‌ای به نقطه دیگر و تغییر وجوهی از شخصیت در این پیمایش ترسیم شود و ابعاد تازه‌ای از شخصیت در این مسیر پیدا شود. این مساله فرمولی دراماتیک بوده و در هر اثری با هر موضوعی کاربردی حیاتی دارد. مساله کشف، حرکت و یافتن نقطه پویایی شخصیت وظیفه درام‌نویس است که باید شخصیت را از رگ و ریشه گمشده تاریخ به زیر ذربین درام برده و با نگاهی هنری آن را آرازدن‌سیمان کند یعنی شخصیت را در چارچوبی دراماتیزه پرباریش کرده و به مخاطب ارائه دهد. این همان تفاوت نمایشنامه‌نویس با تاریخ‌نویس است.

■ **از جمله موارد قابل توجه در نمایش شما حفظ ریتم درونی اثر است که با توجه به دیالوگ‌محور بودن اثر باعث خستگی بیننده نمی‌شود.**

من آدم دیالوگ‌دوستی هستم و دیالوگ برایم خیلی مهم است. یکی از جاذبه‌های مهم نمایش «تکه‌های سنگین سرب» برای مخاطبان وجود دیالوگ‌های ماندگار است که حتی برخی مخاطبان آشنا به بهانه خسته نباشید گفتن، برایم دیالوگ‌های این نمایش را ارسال می‌کنند و این به دلیل توفیقی بوده که این نمایش در گوشه ذهن مخاطب گذاشته است. حفظ ریتم هم مساله‌ای مهم است بویژه که نمایش ما تنها ۲ بازیگر داشته و در ذات خود قابلیت کسالت برای تماشاگر را دارد و من برای رسیدن به ضرباننگ مطلوب در نمایش مدام به شکستن فضای غالب اقدام کردم.

■ **نمی‌توان از نقش ارزنده پیام دهکردی در نمایش «تکه‌های سنگین سرب» چه به لحاظ نزدیکی با שמایل شخصیت و چه از منظر توجهات خاص ایشان در نقش آفرینی سخنی به میان نیاورد که بهترین انتخاب ممکن بوده است.**

من فقط این را به شما بگویم که پیام دهکردی از زمان نوشتن با من بوده است، چه به لحاظ فیزیکی و چه نگاهی که به بازیگری دارد. با توجه به اینکه این نمایش سومین همکاری ما محسوب می‌شود، من جنس بازی او را خیلی خوب می‌شناسم و می‌دانستم که وسواس و تعهد ارزنده پیام به نفع اثر در خواهد آمد. من با سیردن چنین نقش حساسی به پیام دهکردی مطمئن شدم که سلامت حرکت خود روی لبه تیغ را حفظ خواهم کرد البته سلوک خودم در این نقش را هم در نقش چمران می‌خواند. و در پایان نمایش برخلاف روند مرسوم که بازیگران برای ادای احترام به صحنه می‌آیند، همچنان چمران را در حال نگارش یا ماشین تحریر در صحنه حضور می‌بینیم که ناگفته‌هایی از خود را برای نسل‌های بعدی به جا می‌گذارد و این نوع پایان ارزنده می‌تواند موجب همراهی اندیشه مخاطب در خارج از سالن شود.

من دوست داشتم مخاطب با تصویری از چمران خونین صحنه را ترک کند. چمرانی که در عین حال که چمدان سفر کنارش قرار دارد، در حال حرکت و پویایی نوشتن است. این مساله خیلی ریسک بزرگی بود و بچه‌های گروه و دستیارم مدام مرا از این مساله برحذر می‌داشتند و می‌گفتند مخاطب ایرانی عادت به این نوع پایان ندارد. من اعتقاد دارم این پایان‌بندی یکی از مؤثرترین بازوهای فکری اثر است که باعث می‌شود مخاطب نمایش را حتی پس از پایان اجرا رها نکند، حالا اینکه چقدر با اثر خواهد ماند بستگی به نوع نگاه مخاطب دارد اما مساله مهمی که دنبالش بودم این بوده که مخاطب با تصویر تنهایی چمران در زیر نور سرخ همچنان به شخصیت فکر کند.

جنجال خندوانه و حکایت فاشیست‌های مدعی رفرم

شهاب‌الدین سینمایی: حدود سال‌های ۸۷-۸۶ بود که یکی از دانش‌جویان دکتری مطالعات فرهنگی در یکی از دانشگاہ‌های معتبر کشور انگلستان برای تکمیل تز دکتری‌ای خود در رابطه با «علل و عوامل عدم تداوم اقبال مردم ایران به جریان اصلاحات» به وطن بازگشته بود تا بتواند به شکلی مستندتر فرضیه پژوهش خود را مورد بررسی و تدقیق قرار دهد. وی که تا پیش از این با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی توانسته بود به نحو مطلوبی فرضیه پژوهش خود را مورد تأیید قرار دهد برای راستی‌آزمایی دوساره و تحکیم فرضیه خود در تلاش بود با اظهارنظر چند کارشناس و متخصص مشرف بر مسائل داخلی ایران فرضیه پژوهش‌ش را برای دومین بار در معرض آزمایش قرار دهد. بنده که به حسب ارتباط با این دانشجوی ایرانی مقیم انگلستان به شکلی دقیق در جریان آخرین اقدامات وی قرار داشتم و تمام یافته‌های این پژوهش را پس از انجام مصاحبه با شخصیت‌های مدنظر مشرف به مسائل داخلی ایران مورد بررسی قرار دادم متوجه شدم یافته‌های وی در تهران تأیید همان یافته‌های وی در آلمان است. «بی‌اعتقادی مدعیان اصلاح‌طلبی به مفهومی به نام اصلاحات» مبنای اصلی فرضیه پژوهش این دانشجوی ایرانی را تشکیل داده بود.

«وجود رفتارها و تمایلات فاشیستی، حذقی و انحصارطلبانه»، «سواستفاده از ناهایی چون آزادی، اصلاحات، جامعه مدنی و… برای رسیدن به قدرت» و «اصلات داشتن قدرت و نه اصلاح» یافته‌های اساسی این پژوهش را تشکیل داده بود. این دانشجوی ایرانی با استناد به یافته‌های خود در نهایت یکی از معضلات اساسی جامعه ایرانی در دوران حکمرانی مدعیان اصلاحات را وجود همین «دوگانگی» در «حرف» و «عمل» دانسته بود. امری که البته سال‌ها قبل و پس از این پژوهش در بزنگاه‌های حساسی چون تیر ۱۳۷۸ و خرداد ۱۳۸۸ به وضوح خودنمایی کرد. واکاوی اتفاق‌ات چند روز گذشته در فضای مجازی درباره یکی از برنامه‌های طنز سیمای نیز حکایت از وجود چنین منشی نزد مدعیان اصلاح‌طلبی و آزادی بیان دارد. چند روزی است که پس از پخش برنامه خندوانه در روز جمعه، در شبکه‌های اجتماعی موجی در حمایت از «امیرمهدی زوله» یکی از چهره‌های طنزپرداز و نویسنده متمایل به جریان اصلاحات علیه «امین حبیبی» بازیگر خوشنام، غیرسیاسی و باسابقه سینمای ایران به راه افتاده است. ریشه‌یابی چرایی و چگونگی رفتارهای اینچنینی که حتی برنامه‌های طنز و به اصطلاح «فان» را هم به ورطه سیاسی‌بازی سیاست‌پیشگان ورشکسته می‌کشاند خود نشانی بارز و نمونه‌ای دیگر از وجود دوگانگی در حرف و عمل مدعیان اصلاح‌طلبی است. بر این اساس هر پدیده‌ای فارغ از جدی یا شوخی بودن صرفا با عینک سیاسی نگریسته شده و در راستای اهداف سیاسی جریانات خاص هدایت می‌شود. اقدام عجیب بزرگمهر حسین‌پور، کاریکاتوریست رسانه‌های اصلاح‌طلب در برخورد با «استندآپ کمدی» روز جمعه ۲۷ شهریور با یاد نمودن یکی از اینگونه رفتارهای سیاسی برشمرد. رفتار این فعال اصلاح‌طلب که در واقع آغازگر موج مسموم و سیاست‌زده این روزهای فضای مجازی به شمار می‌آید موجبات ایجاد بی‌اخلاقی‌های متعددی را به وجود آورد. قبل از آغاز برنامه جمعه شب خندوانه بزرگمهر حسین‌پور در صفحه‌اینستاگرام خود از مخاطبانش خواست در سلبقه استندآپ کمدی برنامه خندوانه به امین حبیبی رای ندهند؛ وی البته درخواست خود را مستدل کرد. حسین‌پور ضمن شماتت حبیبی به خاطر بازی در فیلم «قلاده‌های طلا» از مخاطبانش خواست برای تنبیه حبیبی که فارغ از مسائل سیاسی و راستای جبری خود به نقش‌آفرینی در فیلم‌هایی چون قلاده‌های طلا پرداخته است، از رأی دادن به وی امتناع ورزند. حسین‌پور که از همکاران قدیمی امیرمهدی زوله در نشریه چیچراغ است در صفحه اینستاگرام خود در این رابطه نوشت: «شب استندآپ امیر زوله است. مطمئنم مثل دفعه قبل می‌ترکونه؛ اما در مقابل امین حبیبی‌ای نظرم باید به امیر رای داد. همین که کسی قلاده طیلار رو بازی کنه از نظر من فاقد صلاحیت رای دادن میشه». حتا اگه امیر اونقدر هم ندرخسه چی کار کنم دیگه… بعضی وقتا اونقدر «حال» رو نمی‌بینم و «گذشته» ادما ملاک قضاوتم میشه… امیر جان به پیش. با مراجعه به تاریخ ثبت‌های متعدد قبلی از اینگونه رفتار را در کنش سیاسی مدعیان اصلاحات به نظاره خواهیم نشست. درباره این کنش‌های غالباً هنجانی که بیش از هر چیز بر پایه احساس است، دو نکته قابل ذکر است: یک- با مرور بر ادبیات اندیشه سیاسی قرن بیستم و توصیفات ارائه‌شده از مکتبی چون فاشیسم به وضوح می‌توان رفتارهای احساسی و حذقی اینچنینی را در دایره مکتبی‌ی چون فاشیسم قرار داد.

ادامه در صفحه ۵